

گزارش

چطور حوادث و اتفاقات بزرگ می‌توانند به تغییرات مثبت و جدی در ایمنی کار منجر شوند

ایمنی کار در ایران در گذر تاریخ

ایمنی و بهداشت شغلی با تعاریف رایج در ایران یک مفهوم مدرن است که بیشتر از مفاهیم و قواعد بین‌المللی گرفته‌برداری شده است. نگاهی تاریخی نشان می‌دهد که در ایران باستان نیز شواهدی از توجه به سلامت کارگران وجود دارد. در تمدن‌های کهن ایرانی، به‌ویژه در دوره هخامنشی، کارگران از حقوق و مزایایی برخوردار بودند که نشان‌دهنده درک اولیه از رفاه و ایمنی آنان است. برای نمونه، در ساخت مجموعه تخت جمشید، کارگران برده نبودند، بلکه دستمزد منصفانه دریافت می‌کردند و حتی برای زنان کارگر امتیازاتی در نظر گرفته می‌شد. بررسی لوح‌های اداری تخت جمشید متعلق به دوران داریوش بزرگ (حدود ۵۰۰ تا ۴۶۰ پیش از میلاد) که ریچارد هالوک در کتاب Persepolis Fortification Tablets (دانشگاه شیکاگو، ۱۹۶۹) منتشر کرده، نشان می‌دهد زنان باردار و مادران تازه‌زایمان‌کرده از سهمیه‌های اضافی خوراکی و دستمزد برخوردار بودند. در یکی از این الواح آمده است: «به مادری که پس از زایمان به کار بازگشته بود، برای فرزند پسر دو برابر سهم عادی جیره داده شد». این شواهد، هرچند به صراحت از مفاهیم مدرنی مانند «مرخصی زایمان» سخن نمی‌گویند، اما به روشنی از وجود نظامی حمایتی برای زنان کارگر در دستگاه اداری هخامنشی حکایت دارند. مورخانی همچون ماریا بروسپیوس (Women in Ancient Persia، ۱۹۹۶) این اقدام را از نخستین نشانه‌های درک حکومتی نسبت به رفاه و امنیت اجتماعی کارگران در جهان باستان می‌دانند.

قاجار و پهلوی: آغاز صنعتی‌سازی و قانون‌گذاری رسمی

با ورود ایران به عصر صنعتی در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، تحولاتی اساسی در مفهوم ایمنی و بهداشت کار پدید آمد. از حوالی دهه ۱۲۶۰ خورشیدی (واسط قرن نوزدهم میلادی) صنایع نوینی در ایران راه‌اندازی شد که از جمله می‌توان به احداث راه‌آهن، کارخانه‌های نساجی، کبریت‌سازی و سیمان اشاره کرد.

در دوران قاجار قوانین مدونی برای حفاظت از کارگران وجود نداشت و شرایط کاری، به‌ویژه در معادن و کارگاه‌های اولیه، اغلب سخت و ناپایم بود. با این حال، برخی اقدامات پراکنده صورت گرفت؛ برای نمونه، در سال ۱۳۰۲ قمری (حدود ۱۲۴۳ شمسی) حاکم ایالت کرمان و بلوچستان دستورالعملی برای حمایت از کارگران قالی‌باف صادر کرد که شاید نخستین تلاش رسمی برای توجه به رفاه کارگران در ایران باشد. با استقرار حکومت پهلوی و شتاب‌گرفتن فرایند صنعتی‌سازی، نیاز به ساماندهی شرایط کار بیشتر احساس شد. در سال ۱۳۰۹ نخستین اداره امور کارگری تحت نظر دولت تشکیل شد. سپس در سال ۱۳۱۴ «نظام‌نامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی» تهیه و در مرداد ۱۳۱۵ به تصویب هیئت وزرا رسید. این نظام‌نامه که مشتمل بر ۶۹ ماده بود، برای نخستین بار مقرراتی درباره ساعات کار (حداکثر ۴۸ ساعت در هفته، شرایط استخدام و برخی تعهدات ایمنی و بهداشتی وضع کرد. می‌توان آن را نخستین قانون نسبتاً جامع در زمینه روابط کار و حفاظت صنعتی در ایران دانست.

تحولات پس از جنگ جهانی دوم

با پایان جنگ جهانی دوم و رشد جنبش‌های کارگری، ایران نیز قانون کار رسمی خود را تدوین کرد. در مرداد ۱۳۲۵ وزارت کار و امور اجتماعی تأسیس و نخستین قانون کار ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون حقوق اساسی کارگران ازجمله تعیین حداکثر ساعات کار، حداقل دستمزد و مقررات اولیه ایمنی و بهداشت کار را به رسمیت شناخت. در سال ۱۳۳۷ قانون کار جدیدی به تصویب رسید که وظایف ایمنی و بهداشت کار را به طور رسمی به وزارت کار سپرد. اداره کل بازرسی کار مسئول اجرای آن شد و شورای عالی حفاظت فنی (تأسیس‌شده در ۱۳۴۳) به مرجع اصلی تدوین آیین‌نامه‌های ایمنی بدل شد. از دل این شورا آیین‌نامه‌های مهمی همچون «آیین‌نامه حفاظت فنی و بهداشت عمومی در کارگاه‌ها» بیرون آمد. دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شاهد توسعه سریع صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، معادن و عمران بود. در این دوره، ایمنی صنعتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵ «مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت صنعتی» تشکیل شد که بعدها به‌طور مستقل فعالیت کرد. این مرکز در آموزش، پژوهش و فرهنگ‌سازی نقش مهمی ایفا کرد و با حمایت سازمان بین‌المللی کار (ILO) تقویت شد. همچنین دانشگاه تهران در اوایل دهه ۱۳۵۰ دوره کارشناسی بهداشت صنعتی و ایمنی را راه‌اندازی کرد. ایران از بنیان‌گذاران ILO در سال ۱۹۱۹ بود و از ۱۳۳۹ همکاری فعال خود را با این سازمان از سر گرفت. در سال ۱۳۵۴ نیز سازمان تأمین اجتماعی با ادغام صندوق‌های بیمه‌ای تشکیل شد تا پوشش حوادث و بیماری‌های ناشی از کار را بر عهده گیرد. این تحولات، دوران پهلوی را به مرحله‌ای مهم در شکل‌گیری ساختار رسمی ایمنی و بهداشت شغلی در ایران بدل کرد.

از تعلیق تا تصویب قوانین جدید

پس از انقلاب ۱۳۵۷، اصلاح قانون کار یکی از مطالبات اصلی کارگران بود، اما به دلیل اختلاف‌نظرهای سیاسی و شرعی، تدوین قانون کار جدید تا سال ۱۳۶۹ به تعویق افتاد. در دهه ۱۳۶۰، وظایف بهداشت حرفه‌ای از وزارت کار به وزارت بهداشت منتقل شد. از آن پس، دو وزارتخانه به‌طور موازی مسئولیت ایمنی (وزارت کار) و بهداشت حرفه‌ای (وزارت بهداشت) را بر عهده گرفتند؛ ساختاری که هنوز ادامه دارد. سرانجام در آبان ۱۳۶۹ قانون کار جمهوری اسلامی تصویب شد. این قانون در ماده ۸۵ و ۹۶ خود بر لزوم رعایت مقررات ایمنی و بهداشت کار تأکید کرد و وظایف بازرسان را مشخص کرد. در دهه ۱۳۷۰، شورای‌عالی حفاظت فنی فعال شد و دهه‌ها آیین‌نامه تخصصی در زمینه‌های مختلف تصویب کرد. وزارت بهداشت نیز با تشکیل واحدهای بهداشت حرفه‌ای در سطح ملی و محلی، خدمات بهداشت شغلی را به کارگران واحدهای کوچک گسترش داد. بااین‌حال، کمبود نیرو و نارسایی در پوشش کارگاه‌های خرد همچنان مشکل‌ساز باقی ماند.

تحولات معاصر: از سلامت روان تا ایمنی دیجیتال

از دهه ۱۳۸۰ به بعد، موضوع سلامت روانی کارگران وارد دستور کار شد. استرس شغلی، فرسودگی و خشونت محیط کار به‌عنوان عوامل زیان‌آور شناخته شدند و آیین‌نامه‌های مربوط به پیشگیری و مدیریت این مسائل تدوین شد. هم‌زمان با گسترش فناوری دیجیتال، مخاطرات جدیدی نیز پدید آمد. مشکلات اسکلتی-عضلانی ناشی از کار با رایانه، استرس اطلاعاتی و چالش‌های دورکاری ازجمله آنها بود. برای پاسخ به این نیازها، دستورالعمل‌های ارگونومی و ایمنی دیجیتال منتشر شد. تحولات حقوقی اخیر نیز چشمگیر بودند. ایران در بهمن ۱۴۰۱ به مقاله‌لنامه ۱۵۵ سازمان بین‌المللی کار و پروتکل الحاقی آن پیوست. این نخستین سند تخصصی ایمنی و بهداشت است که ایران پذیرفته است. انتظار می‌رود الحاق به این مقاله‌نامه به اصلاح مقررات ملی، تقویت نظام بازرسی و شناسایی حقوق بنیادین کارگران منجر شود.

چرا حوادث بزرگ به تغییرات نهادی منجر نشدند؟

با وجود همه این تحولات، پرسش مهمی باقی است؛ چرا حوادث مرگبار در ایران به تغییرات بنیادی منجر نشده‌اند؟ در صنایع پرخطر، به‌ویژه معادن، فجایع بزرگی رخ داده است؛ ازجمله فاجعه معدن یورت در سال ۱۳۹۶ و حادثه انفجار معدن طبس. در سال‌های اخیر نیز حادثه بندر شهید رجایی نشان داد که ضعف‌های ایمنی همچنان جدی است.

۵ صفحه‌ایمدیر ۵۳۳

پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان، معتقد است بسیاری از چالش‌های ساخت‌وساز و توسعه شهری پایتخت ناشی از مداخلات دولت است

تهران پرعارضه



علیناصحی/تهران

شرق: تهران با چالش‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ از فقر شدید منابع آبی که پایتخت را به عنوان دومین استان فقیر ایران از نظر فقر آبی مطرح می‌کند، تا گره‌های ترافیکی و آلودگی هوا که بارها پایتخت را به عنوان یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان مطرح کرده است. از مساحت بزرگ بافت فرسوده و فقر مسکن تا فقر فضای سبز و ساخت‌وساز ناپایم روی گسل‌های زلزله.

پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان، در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد که چگونه در تمام سال‌های گذشته مداخلات گسترده دولت در ساخت‌وساز و شهرسازی عارضه‌های بزرگ شهری را تولید کرده و بستری‌های فساد را گشوده است. او تأکید می‌کند که راه نجات تهران از عارضه‌های وخیمی که امروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، خروج دولت از مداخله در ساخت‌وساز و شهرسازی و بازگشت آن به وظیفه دولت‌های مدرن یعنی رگولاتوری است. او تأکید می‌کند که توسعه شهرهای کشور باید به دست توسعه‌گرانی سپرده شود که صاحب دانش تخصصی و سرمایه هستند و نیازی به منابع بانک‌ها و منابع مالی دولت ندارند.

توسعه شهری تهران و بحران آب

پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان به عارضه‌های متعدد شهری در تهران اشاره کرده و می‌گوید که بسیاری از این عارضه‌ها زاینده مداخلات غیرکارشناسی دولت هستند. او به چالش آب در تهران و زرمزه محدودیت ساخت‌وساز در پایتخت به عنوان یکی از مصادیق اشاره کرده و می‌گوید: واکنش به چالش‌ها باید علمی و عملی و قابل برنامه‌ریزی باشد. درباره موضوع بحران آب باید گفت که بخش عمده منابع آب کشور یعنی حجمی حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد در کشاورزی مصرف می‌شود و سهم آب شرب از منابع آب کشور فقط حدود شش درصد است. حالا از این شش درصد کل کشور چه حجمی سهم تهران است؟ بنابراین ممنوعیت ساخت‌وساز در تهران پاسخ نادرست به بحران آب است.

از سوی دیگر باید این پرسش را مطرح کرد که کدام منطقه ایران است که از بحران آب مصون مانده است و اگر جمعیت در تهران ساکن نشود به کجا برود که درگیر بحران آب نشود؟ پرسش دیگری که می‌توان مطرح کرد این است که کشورهای حاشیه خلیج فارس با اقلیم بیابانی چه کرده‌اند؟ آیا ساخت‌وساز در دوبی با ریاض ممنوع شده است؟ او در ادامه توضیح می‌دهد: درباره بحران آب، صدها پژوهش و بررسی کارشناسی وجود دارد که بعضاً در رسانه‌ها مطرح شده است؛ از سدسازی غیراصولی، برداشت بی‌رویه آب از منابع زیرزمینی و تولید محصولات غیراقتصادی کشاورزی تا انتقال آب بدون در نظر گرفتن قنایه طبیعت، هدررفت آب شهری در حین انتقال یا تبخیر پشت سدها و... اما به‌جای شنیده‌شدن این راهکارهای کارشناسی و در نظر گرفتن اولویت‌ها، ناگهان واکنش‌های غیرکارشناسی مثل ممنوعیت ساخت‌وساز در تهران مطرح می‌شود.

بلندمرتبه‌سازی، گرفتار اظهار نظرهای غیرکارشناسی

رئیس انجمن صنعت ساختمان تأکید می‌کند: نگاه غیرکارشناسی به شهرسازی و ساخت‌وساز فقط به مقوله شهرسازی و بحران آب ختم نمی‌شود و در این زمینه می‌توان مثال‌های متعددی زد؛ به عنوان نمونه مقوله بلندمرتبه‌سازی در ایران، سال‌هاست با برداشت نادرست سیاست‌گذار مواجه است و ناگهانی یک متولی از قم زنگ می‌زند و می‌گوید بلندمرتبه‌سازی تجمل‌گرایی است. این در حالی است که بلندمرتبه‌سازی در مناطقی از کشور یک راهکار ناگزیر است؛ مثلاً در شمال ایران گسترش افقی شهر باعث نابودی ارزشمندترین جنگل‌ها و مراتع کشور شده است و خاک حاصلخیز و مرغوب را به نفع ویلاسازی از بین برده است.

جوزی در ادامه می‌گوید: گسترش افقی شهر باعث می‌شود که نیاز به ایجاد زیرساخت‌های شهری و سرمایه‌گذاری بیشتر شود؛ چراکه با انتقال جمعیت به حاشیه شهرها نیاز به ایجاد امکاناتی نظیر راه، مدرسه، کلاتری، مراکز خرید، خطوط حمل‌ونقل عمومی، فضای سبز، اماکن تفریحی و... است و تمام این موارد هزینه زیادی می‌طلبد و نیاز به سرمایه‌گذاری بالا دارد. همچنین اینکه تأمین امنیت شهرهایی که گسترش افقی داشته و وسعت زیادی دارند به مراتب دشوارتر از شهرهایی است که گسترش عمودی داشته و مساحت کمتری دارند. او توضیح می‌دهد: مدل‌های غیرکارشناسی گسترش افقی شهر در سال‌های گذشته اجرا شده است و شهرها و شهرک‌ها تبدیل به خوابگاه‌های بدون امکانات شده‌اند و در نهایت این شهرها و شهرک‌ها نتوانسته‌اند جمعیت‌پذیر باشند و ائتلاف سرمایه رخ داده است. بنابراین به بلندمرتبه‌سازی نباید صفر و یکی باشد و باید بر اساس محاسبات و منطق کارشناسی تصمیم‌گیری شود. این محاسبات نه‌تنها شهر به شهر و منطقه به منطقه متفاوت است که حتی پلاک به پلاک هم می‌تواند متفاوت باشد.

عارضه حاشیه‌نشینی و فقر مسکن در کلان‌شهرها

رئیس انجمن صنعت ساختمان می‌افزاید: این نگاه غیرکارشناسی به ساخت‌وساز و شهرسازی درباره پدیده مسکن دولتی هم وجود دارد. اصولاً وظیفه دولت‌ها مسکن‌سازی، نیروگاه‌سازی، فولادسازی یا تجارت و... نیست. دولت به مفهوم مدرن آن در تمام دنیا رگولاتور است و وظیفه نظارت را بر عهده دارد اما در ایران همان نگاه غیرکارشناسی غالب و تصمیم‌گیرنده بوده است و می‌بینیم که دولت وارد ساخت‌وساز می‌شود و پروژه‌هایی مانند مسکن مهر یا نهضت ملی مسکن و... را اجرا می‌کند اما در نهایت عارضه‌های بی‌شمار دیگری تولید می‌کند؛ به عنوان مصداق سایت‌های مسکن دولتی در حال حاضر تبدیل به خوابگاه‌های بدون امکانات شده‌اند و این پروژه‌ها حتی شان انسانی را برای برخورداری از حداقل‌های امکانات در نظر نگرفته‌اند. بگذریم که برخی از این پروژه‌ها بدون در نظر گرفتن محاذات محیط‌زیستی، منابع آب، بافت فرهنگی منطقه و... ساخته شده‌اند و باعث ائتلاف سرمایه مردم و کشور شده‌اند.

جوزی ادامه می‌دهد: علاوه بر این، پروژه‌های مسکن دولتی فشار زیادی بر منابع بانکی ایجاد کرده و به تورم دامن زده است. آن هم در شرایطی که بانک‌های کشور گرفتار ایرچالش ناترازی منابع و مصارف هستند. این اشتباهات درباره نوسازی بافت فرسوده هم تکرار شده است و دولت تصور می‌کند که برای نوسازی بافت فرسوده گرفتاری اصلی فقط منابع بانکی و تسهیلات است. این در حالی است که برای نوسازی بافت فرسوده، محله به

خبر

زنجیره تأمین در آستانه فروپاشی قطعه‌سازان علیه حکم تعزیرات هشدار دادند

صدور حکم تعزیرات حکومتی علیه ایران‌خودرو، موجی از نگرانی در میان قطعه‌سازان کشور به راه انداخته است؛ نگرانی از اینکه با مسدودشدن جریان مالی صنعت خودرو، نه‌تنها تولید در خودروسازان بزرگ زمین‌گیر شود بلکه بیکاری گسترده کارگران و بحران‌های اجتماعی هم به دنبال داشته باشد.

توقف جریان مالی و بدهی‌های سنگین

امیرحسین جلالی، نایب‌رئیس انجمن قطعه‌سازان تهران، این حکم را به معنای بستن شریان حیاتی صنعت خودرو دانست و گفت: قطعه‌سازان بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان از خودروسازان طلب دارند که ۵۰ هزار میلیارد تومان آن سررسید شده است. به گفته او، زیان انباشته صنعت خودرو اکنون به ۲۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده و این شرایط ادامه تولید را به‌شدت تهدید می‌کند.

۲ بحران جدی در کمین

جلالی هشدار داد: ما در آستانه دو بحران هم‌زمان هستیم؛ نخست، بیکاری چند صد هزار کارگر در زنجیره تأمین دوم، ناتوانی خودروسازان در تحویل خودروهای پیش‌فروش‌شده به مردم. این تصمیم در سالی که قرار بود سال سرمایه‌گذاری در تولید باشد، به سال فشار بر تولیدکنندگان بدل شده است.

افزایش شدید هزینه‌ها و رد پیشنهاد منطقی

کیاوداد اسفندیاری، کارشناس اقتصاد خودرو نیز با اشاره به رشد شدید هزینه‌ها گفت: قیمت برخی اقلام نسبت به سال گذشته تا ۸۲ درصد بالا رفته و نرخ ارز تقریباً دو برابر شده است. در چنین شرایطی پیشنهاد افزایش ۲۵۱درصدی قیمت خودرو حداقل اقدام منطقی بود. وی افزود: بازار هم این افزایش را پذیرفته نبود و حتی شاهد کاهش نرخ‌ها در بازار آزاد بودیم؛ اما نه‌تنها این پیشنهاد رد شد، بلکه با صدور حکم علیه ایران‌خودرو، فشار بی‌سابقه‌ای به کل زنجیره تولید وارد شد. او تأکید کرد: این تصمیم نه به نفع مصرف‌کننده است و نه تولیدکننده، بلکه دقیقاً در امتداد همان فشارهایی است که سال‌ها دشمنان خارجی علیه صنعت خودرو ایران اعمال کرده‌اند. به گفته اسفندیاری، ادامه این روند می‌تواند به فروپاشی زنجیره تأمین قطعات، گسترش بیکاری، ناتوانی خودروسازان در عمل در تعهدات بینجامد. حکم تعزیرات علیه ایران‌خودرو را می‌توان نقطه عطفی در منازعه قدیمی میان سیاست‌گذار و تولیدکننده دانست.

از یک سو دولت و نهادهای نظارتی با هدف حمایت از مصرف‌کننده به دنبال مهار قیمت‌ها هستند و از سوی دیگر، صنعت خودرو و قطعه‌سازان معتقدند بدون اصلاح قیمت‌ها و تأمین نقدینگی، تولید در عمل غیرممکن خواهد شد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که فشار بر خودروسازان بدون درنظر گرفتن واقعیت‌های اقتصادی، نه به کاهش قیمت‌ها بلکه به افت تولید، افزایش زیان انباشته و گسترش بازار غیررسمی منجر می‌شود. اکنون هشدار قطعه‌سازان درباره «فروپاشی زنجیره تأمین» هشدار جدی است؛ چرا که بحران مالی در این بخش می‌تواند با سرعتی بالا به بیکاری گسترده، بدهدیی در تحویل خودروها و در نهایت بی‌اعتمادی عمومی بینجامد. به نظر می‌رسد اگر سیاست‌گذار در کوتاه‌مدت برای بازنگری در قیمت‌گذاری و طراحی یک بسته حمایتی اقدام نکند، صنعت خودروی کشور در آستانه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های تاریخ خود قرار خواهد گرفت.

نوبت اول	آگهی مناقصه عمومی
شركت برق منطقه ای آذربایجان در نظر دارد مناقصه خرید ۱۰ دستگاه کلیه ۲۳۰ کیلوولت برای پست های تیریز ۲ و تقی دیزج را به صورت مناقصه عمومی یک مرحله‌ای را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره فراخوان شماره ۰۰۰۲۶۰۰۱۱۱۹۰۰۰۲۶ آدرس الکترونیکی www .Setadiran. ir به مناقصه گر واجد شرایط واگذار نماید. بهای فروش اسناد مناقصه : ۲۰.۰۰۰۰ ریال (دویست هزارریال)	جدول زمانی انجام مناقصه
	از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۲
	تا ساعت ۱۹ عصر مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۷
	تا ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۷
	ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه : ۱۸۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ بحسرف (هجده میلیارد و یکصد میلیون ریال) بصورت ضمانتنامه بانکی و یا واریز نقدی بحساب شبا به شماره ۰۲۱۰۶۳۷۶۱۹۰-۰۳۱۰۰۰۴۰۰۱۱۰۶۴۰۰۳۷۶۱۹۰ IR نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی بنام شرکت برق منطقه ای آذربایجان جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴۰۰۲۱ جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایتبهای زیر مراجعه و یا با شماره تلفن ۲۳۲۲۷ ۳۱۰۷ -۰۴۱ تماس حاصل فرمایند.
www.setadiran.ir
www.azrec.co.ir
www.lets.mporg.ir
www.tavanir.org.ir

ششاسه آگهی: ۱۹۹۱۲۲۵	نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱	نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴
---------------------	----------------------	----------------------